

تبریز

از پایتختی ایران تا اقتدار تشیع

و

سومین کتاب در پیدایش حاکمیت‌های شیعه در ایران

نویسنده:

دکتر حیدر پیرعلیلو



نشر اختر

سرشناسه	: پیرعلیلو سهرن، حیدر، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: تبریز از پایتختی ایران تا اقتدار تشیع و سهم عشایر در پیدایش حاکمیت‌های شیعه در ایران/ مولف حیدر پیرعلیلو
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص: مصور
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۷۰۱-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۷ - ۱۴۳.
موضوع	: شیعه -- ایران -- تبریز -- تاریخ
موضوع	: تبریز -- تاریخ
موضوع	: تبریز -- سیاست و حکومت
موضوع	: تبریز -- شاهان و فرمانروایان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ پ۳۷/پ۲۰۷۹ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۰۵۲۲۱



تبریز از پایتختی ایران تا اقتدار تشیع و سهم عشایر در پیدایش حاکمیت‌های شیعه در ایران
 مؤلف: دکتر حیدر پیرعلیلو
 ویراستار ادبی: دکتر اصغر برزی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه امینی تبریز)
 همکار علمی: حسین پور نجفقلی پیرعلیلو
 ناشر: نشر اختر ● چاپ سبز ● صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۵ ● ۱۴۲ صفحه ● قطع وزیری ● ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۷۰۱-۸

مرکزفروش: تبریز - اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	مقدمه.....
۱۵	روند شکل‌گیری دولت‌های پیش‌آهنگ صفویه در آذربایجان.....
۳۱	ج: ظهور دولت بزرگ شیعه (صفویه) (۹۰۷-۱۱۳۵ هـ).....
۳۷	روابط خارجی در عهد سه مرت.....
۵۳	جایگاه شعر و ادب ایرانی در تبریز و نلفیه فرنگ آذربایجان با ایران.....
۶۲	نشانه‌های تشیع در بناهای باقی مانده از عهد پایتختی تبریز.....
۶۶	کمکهای عشایری به دولت‌های نام برده که به ماندگاری تشیع انجامید.....
	دولتک‌ها یا دولت‌های کوچک و فرقه‌های مذهبی و دانشمندان این عصر که با
۷۸	تبریز و بسط اندیشه دینی در تمامیت ایران، سهم داشتند.....
۷۸	الف) دولتها.....
۸۲	ب) فرقه‌های مذهبی.....
۸۹	ج) علما و دانشمندان.....
۹۲	تبریز کانون گسترش و ماندگاری تشیع.....
۱۱۶	نمودار سلسله‌های شیعی و غیرشیعی.....
۱۳۷	منابع و مأخذ.....

مقدمه

یکی از ناشناخته‌ترین ادوار تاریخی سرزمین ایران، دوره قدرت‌نمایی دو سلسله قراقویونلو و آق‌قویونلو در قرن نهم هجری است. مدت یک قرن در غرب و شمال غربی و مرکز ایران است که در قلمرو سیاسی سلسله تیموریان سربرآوردند. با این حال، ناپایداری این دو سلسله و به دنبال آن تغییر قلمرو آن‌ها از حاکمیت ساسانی به سلطانی دیگر و تحجّر و جمود فکری حاکم بر سلسله‌های ایلات عراق عرب و حاکم به گاه‌گاهی کروفری کرده، حکومتی تشکیل می‌دادند و از راه این حاکمیت که مبتنی بر درخت صحرای گردی است، فرصتی برای پیشبرد و پیشرفت فرهنگ و ادب باقی نمی‌گذاشتند. مردم ایران را که تحت فشار و چپاول این اقوام غیر ایرانی بودند و دلبستگی چندانی به فرهنگ ایران نیز نداشتند، به آنان بی‌علاقه می‌کرد، و این امر از عدم مساعدت به ترکمانان در جنگ‌ها توسط مردم شهرنشین ایرانی آشکار است.^۱ هرچند که این اقوام بعد از مدتی که با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا شده و خوی چپاولگری خود را از دست می‌دادند، خود مشوّق آثار فرهنگی بزرگی در ایران شدند که در متن کتاب اشارات مفصّلی به این موضوع شده است.

طایفه قراقویونلوها از اواسط قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) به هر ترتیبی بود در صحنه سیاسی منطقه شرقی ترکیه یعنی آناتولی و حوالی دریاچه وان ظاهر شدند و علی‌رغم همسایگی با قدرت‌های بزرگ پیرامون خود یعنی عثمانی‌ها و ممالیک مصر با روحیه جنگاوری که داشتند و در طی نیم قرن یعنی آغاز قرن نهم هجری (پانزده میلادی) به پیروزی‌های درخشانی دست یافته، در قلمرو تیموریان به استثنای خراسان و برخی نواحی کوهستانی این امپراتوری، بر تمام ایران و عراق مسلط شدند.

در این میان، حاکمیت قراقویونلوها در کنار سلسله آق‌قویونلو، علاوه بر تأثیرات عمیقی که در یک‌جانشینی کان آناتولی در منطقه آذربایجان داشت که تبریز را پایتخت خود کرده بودند، در تاریخ حیات دینی این منطقه نیز تأثیر آشکاری از خود برجای گذاشت. تا آن‌جا که سلسله صفوی که مد از این دو سلسله در ایران بر سرکار آمد و در وحدت‌بخشی به سرزمین ایران با روحیه مذهبی تازه وارد میدان سیاسی شد، پیشرفت و رواج کار خود را وامدار این سلسله است. چنان‌که سلسله صفوی مؤسس صفویه به آناتولی که مرکز تجمع اولیه این قبیله بود، رفت و طرفداران صوفی ایران خود را گرد آورده، با برگشت به سرزمین قدیمی ایران حکومت خویش را پی‌افکند. برآوردن افشارها و قاجارها در عرصه سیاسی و در مقام حاکمیت نیز نشان از تأثیرپذیری آن‌ها از حاکمیت سلسله قراقویونلوها بود.

گرچه دور، حاکمیت قراقویونلوها با گذشت زمان، به عنبر ترک دیگری یعنی آق‌قویونلوها انتقال یافت اما تحولات خاص ایجاد شده در منطقه آذربایجان ایجاب می‌نمود که این سلسله برای ادامه حیات خویش با صوفیان متمرکز در این منطقه که اکثراً نیز تبار ترکی داشتند، به همزیستی مسالمت‌آمیز روی بیاورد. چرا که ناگزیر از این مطلب بود و این خود زمینه‌پیدایی فرقه‌های صوفی متمایل به تشیع و در نهایت تشکیل دولت شیعی مسلک صفویه را موجب شد.

عصر مغول در ایران با حمله چنگیز در سال (۶۱۶ هـ.) آغاز شد و با مرگ ابوسعید

بهادرخان در (۷۳۶ هـ.) تقریباً به پایان رسید. بعد از این تاریخ، هرج و مرج سیاسی در ایران آغاز شد که سبب پیدایش امرای کوچک در نواحی مختلف ایران و تداوم این دوران تا ظهور مجدد حکومتی یکپارچه در (۹۰۷ هـ.) یعنی صفویه به مدت تقریباً دویست سال گردید. گرچه در این فاصله تیموریان به صورت سلسله‌ای قدرتمند با شخص تیمور در (۷۹۵ هـ.) خود را نشان می‌دهند، اما دوری خاستگاه سیاسی آنان یعنی سمرقند و بخارا و توجه عمده تیموریان به نواحی شرق ایران بزرگ، خود زمینه تداوم دولت‌های کوچک محلی در ایران را ایجاد می‌کند که آل چوپان، آل جلایر، آل مظفر، ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو از این جمله‌اند. چرا که قبائل ترک که در ناحیه آناتولی استقرار داشتند، بعد از ایلخانان و البته با کمک خود آل سلسله ترک‌تبار نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی در این منطقه ایفا می‌کردند چون مرز ایران با سلسله ایلخانی در برابر امپراتوری بیزانس محسوب می‌شدند. در این میان اوضاع سیاسی ایران همچنان نابسامان بود و فرزندان تیمور در شرق به جان هم افتاده بودند که شاهرخ، نوری هر چه در این میان کوشید تا این وضع را سر و سامان دهد، موفق نگردید. بر همین اساس با بروز ضعف در اقتدار سیاسی تیموریان، آل چوپان (سولدوزیان) در آذربایجان با تکیه بر تیرگی فرزندان امیرچوپان از امیران ابوسعید ایلخانی خود را نشان دادند. و پس از ایلخانان در آذربایجان و عراق عجم و آسیای صغیر و گرجستان قدرتی به هم رساندند و حکومتی تشکیل دادند، گرچه آن‌ها خطبه‌ای به نام خود نخوانده و سکه‌ای نزدند اما زمام امور این منطقه را عملاً در دست داشتند تا این که توسط سلسله جلایریان برافتادند. آل جلایر یا ایلکانیان که توسط شیخ حسن بزرگ که او نیز یکی از امیران ابوسعید بهادر بود، در سال (۷۴۰ هـ.) با تصرف عراق عرب و آذربایجان و با سلطنت شیخ اویس بقیه نواحی آران و عراق عجم را به تصرف این سلسله در آورد. در این میان، اولین حمله تیمور مصادف با سلطنت سلطان حسین جلایری که در غرب ایران دچار آشوب بود، مواجه گردید چرا که سلطان جلایری در همین عصر با قرامحمد رئیس ایل قراقویونلوها در آذربایجان درگیری پیدا کرده بود. هر چند قرامحمد

به خاطر ضعف نظامی تقاضای صلح نمود اما این اختلاف در سال (۷۷۱ هـ.) به شاه شجاع مظفری بهانه داد تا به آذربایجان حمله کرده، تبریز را فتح کند. بعد از رفتن شاه شجاع، شاه جلایری به تبریز برگشت و کار به صلح انجامید و با مرگ سلطان حسین جلایری، سلطان احمد به جای وی به تخت نشست. در زمان وی بود که تیمور به غرب ایران لشکر کشید و سرزمین‌های آل جلایر را به تصرف خود در آورد و سلسله جلایریان برافتاد. با برافتادن سلسله جلایریان در آذربایجان مسأله قبیله قره‌قویونلو که زمانی نیز با جلایریان درگیری نظامی داشت، تمام ماند اگرچه شاهرخ تیموری، قراقویونلوها را از آذربایجان بیرون راند اما وضعیت متزلزل شاهرخ به سبب جنگ‌های خانگی باعث شد تا قراقویونلوها علی‌رغم نارضایتی شاهرخ به لحاظ سائل سیاسی با حمایت وی بر آذربایجان حکومت کنند اگرچه اختلاف مذهبی میان دو سلسله و صلاحیدهای سیاسی تا برافتادن تیموریان همواره آمیزه‌ای از جنگ و صلح بود. این که این وضعیت به ضعف تیموریان در غرب و برافتادن حاکمیت آن‌ها در آذربایجان و غرب ایران منتهی شد و دولت قراقویونلو سر برآورد.

پایان اقتدار قراقویونلوها نیز با همین اختلاف جنگی داشت چنان که سربرآوردن سلسله دیگر ترکمن یعنی آق‌قویونلوها با اختلاف خانوادگی قراقویونلوها میان حسنعلی و برادرانش و حملات تیموریان منجر به شکست قراقویونلوها شد.^۱ اما فرهنگ شیعه در این عصر در میان مردم ایران، امری عمومی و شناخته شده بود و می‌رفت تا ضعف را که عنوان شیعی و سادات به خود داده بودند پذیرا شود. به همین جهت آق‌قویونلوها علی‌رغم اقتدار سیاسی خویش درباره این گسترده‌ی فرهنگی تاب نیاورده و مجبور به تسلیم شدند و حاکمیت‌های بعد از صفویه در ایران نیز خود را مقید به این فرهنگ عظیم مذهبی دانستند.^۲

۱. سمرقندی، مطلع سعدین، ج ۱، دفتر ۲، صص ۵۳۱ و ۴۸۳ و روملو، ج ۱/ ۳۱۷ و ۲۹۳.

۲. همان، ج ۲، دفتر ۲، ص ۹۶۸ و روملو ۱/ ۲۵۵.

۳. دایره المعارف تشیع، ۳۶۹-۷۳.

چنان که دولت‌های افشاری - زندی - قاجار و پهلوی که بعد از صفویه ظهور کردند، گرچه در محور بسط اندیشه شیعی نبودند ولی مجبور بودند خود را با فرهنگ غالب مردمی در این کشور یعنی تشیع هماهنگ کنند.

امروزه شهر تبریز یکی از پایگاه‌های مهم فرهنگی کشور ایران است که پایه‌های دیگر شهرها مخصوصاً پایتخت ایران، تهران، در تحولات عظیم ملی سهم ایفا می‌کند. بنده مؤلف که متولد این شهر هستم بسیاری از این تحولات را از نزدیک مشاهده کرده‌ام. چنان که دوره‌ی زندگی من مصادف شد با تغییر نظام سلطنت به جمهوری که خود این مسأله تغییرات شگرفی را در مبدل اجتماعی به وجود آورد و شهر تبریز با قیام مردم آن در ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶ ش. نقش عمده‌ای را در این زمینه بازی کرد. گرچه شهر قم مرکز فرهنگی این تحول بود، اما قیام تبریز را در این تاریخ به تمام ملت ایران این جرأت را داد که خواستار انقراض سلطنت باشند. این افتخار مخصوص تبریزی‌هاست که برای بار دوم هم چنان که فرهنگ شیعی را در عهد قره‌فروها و صفویه در ایران ماندگار کرده بودند، در این تاریخ نیز نام تشیع را بر سرزبانها انداختند.^۱

در پایان لازم است از مساعدت‌های شهرداری و شورای شهر تبریز جناب دکتر نجفی و مخصوصاً جناب حجه الاسلام آقای احمد حمیدی معاونت محترم فرهنگی شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر تبریز آقایان دکتر اصغر عابدزاده و دکتر احسان حاجی‌پور چاخارلو در مراحل چاپ و انتشار و سرکار خانم خاترازه (خدمات کامپیوتری شانلی) در تایپ و ویرایش این اثر تقدیر و تشکر نمایم.

حیدرپیرعلیلو

۹۵/۱/۲۰